

۳۰۵

کتابخانه  
مجلس شورای  
اسلامی

خطی اهدائی

۳۰۵



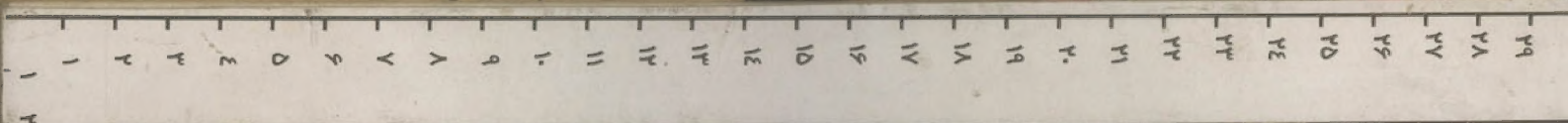
کتابخانه مجلس شورای اسلامی  
شماره ثبت کتاب ۳۰۵

کتابخانه مجلس شورای اسلامی	از کتب (خط)	اهدائی
مجلس شورای اسلامی	مجلس شورای اسلامی	مجلس شورای اسلامی
مجلس شورای اسلامی	مجلس شورای اسلامی	مجلس شورای اسلامی

کتابخانه مجلس شورای اسلامی  
شماره ثبت کتاب ۳۰۵

۳۰۵

کتابخانه مجلس شورای اسلامی  
شماره ثبت کتاب ۳۰۵

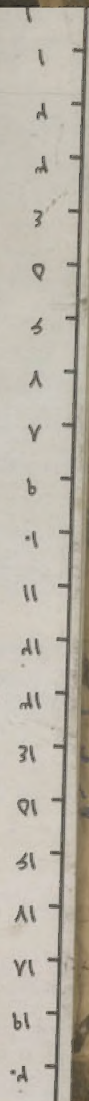


کتابخانه مجلس شورای اسلامی	از کتب (خط)	اهدائی
مجلس شورای اسلامی	مجلس شورای اسلامی	مجلس شورای اسلامی
مجلس شورای اسلامی	مجلس شورای اسلامی	مجلس شورای اسلامی

خطی اهدائی  
کتابخانه مجلس شورای اسلامی  
۳۰۵

کتابخانه مجلس شورای اسلامی  
شماره ثبت کتاب ۳۰۵

کتابخانه مجلس شورای اسلامی	از کتب (خط)	اهدائی
مجلس شورای اسلامی	مجلس شورای اسلامی	مجلس شورای اسلامی
مجلس شورای اسلامی	مجلس شورای اسلامی	مجلس شورای اسلامی



خطی اهدائی  
کتابخانه مجلس شورای اسلامی  
۳۰۵

۳۰۵

کتابخانه مجلس شورای اسلامی  
شماره ثبت کتاب ۳۰۵



شماره ۲۰۵  
کتابخانه مجلس شورای اسلامی

کتابخانه مجلس شورای اسلامی		کتاب	
شماره ثبت کتاب		مؤلف	
۴۱۰۱۲		(خط) (مخط)	
تاریخ ثبت		آقای سید محمد صادق طاهری به کتابخانه مجلس شورای اسلامی	
۱۳۰۱		جلد (۲۰۵)	
از کتب		اهدائی	

بازرسی شد  
۸-۱۳

خطی اهدائی  
کتابخانه مجلس شورای اسلامی  
۳۰۵

۳۰۵

کتابخانه مجلس شورای اسلامی  
شماره ثبت کتاب  
۴۱۰۱۲  
تاریخ ثبت  
۱۳۰۱  
از کتب  
اهدائی















آن را رسال یک نامه و همچنین اگر بعد از وفات عارف و قبل از شتر بوده باشد و اگر  
بعد از وفات باشد هیچ وجهی است و اما اگر عارفه لازم است و اگر هیچ طور از او  
نمانده و اگر عارفه نیست و اگر عارفه ظاهر اگر چه احوط گفته است و در کمال سبب  
زن خلاف بعضی گفته اند که از روی سحر است و بیشتر است و اگر از روی سحر است  
یک کس گفته است و بعضی طایفه بیشتر میدانند و این احوط بلکه از رفتن است و اگر  
نکاح کند عذر بگیر اهل خود و انزال شود احوط آنکه اگر بتو از دیگران و اگر  
و آنیک گفته اند و اگر نکاح با اهل خود کند و انزال شود منتهی بیشتر است و اگر  
کسی دست بزرگ کند بهتر است و انزال پس بعضی گفته اند که یک گفته بود  
لازم است و انزال بعد از شتر لازم است پس عقد کردن زن از روی  
خود با غیر که محرم باشد با محل و همچنین شاید شدن بوفت و اقامه  
شهادت هر چند تحت آن است و در غیر حال احوط و احوط تر است  
خطبه است یعنی خواستگاری زن و اقامه رجوع مطلقه و جیده پس بی  
عیب است و همچنین خریدن کتبی هر چند که بجهت استماع باشد یا اگر  
مقصود استماع در حال احوط بوده و احوط تر است بلکه بعضی حرام

محرمت گردانند

محبت کرده اند چنانچه هرگز تمایل نباشند و فی الواقع این را بگویند  
که گفته اند از ادعای اهل علم نیز بی محبت و دلوراد هیچ برنگزیند  
از این جهت که از هر جهت و اگر در واقع گفته بر هیچ یک که از این جهت  
و همچنین گفته اند از هر جهت و از ادعای اهل علم نیز بی محبت و  
بلکه بر آن دلوراد نباشد و هرگاه که از ادعای اهل علم نیز بی محبت و  
یعنی غلبه بر دل نیست و اگر در واقع گفته اند از این جهت  
خود پس دیگر چه از ادعای اهل علم نیز بی محبت و از ادعای اهل علم نیز  
کردن بعضی اهل علم را تنها و بی محبت است که از ادعای اهل علم نیز  
چشم استمال طلب یعنی بر آید و خوشتر از آنست که از ادعای اهل علم نیز  
و غیر بر آید و باید بر آید و خوردن و پوشیدن چیزی که بر آید  
بوی خوش بوده هرگاه خوشتر از آنست و اگر خوشتر از آنست و پوشیدن  
و از خوشتر از آنست که از ادعای اهل علم نیز بی محبت و از ادعای اهل علم نیز  
و غایت چنینست که بر آید و خوشتر از آنست و پوشیدن چیزی که بر آید  
اگر خوشتر از آنست که از ادعای اهل علم نیز بی محبت و از ادعای اهل علم نیز

که حرف کعبه و آن حضرت که کعبه را آن خوشبختی که منتفی است  
بوی خوش چون شنبه صدق احوط است آن را در  
کرده اند نیز شنبه را در وقت که نشستن را در عقاد آن که در میان  
و در روز انبساط احوط جنب است از آن نیز و دیگر که غایب است یک  
که قصد است بلکه احوط بکار آنی حرکت گرفتن و غایت از بوی بد  
فرار کردن از آن باشد و نه ضرر ندارد شنبه که بوی بد و خبیث  
شنبه بد و خبیث مثل رخی که از نه می آید است با آن  
و کعبه را آن احوط جنب از طاعت روز شنبه بر چند دلیل است حتی  
که هر که در روز شنبه که بوی بد از آن کند و در کعبه نشیند و دیگر که از برای آن خوش است  
باشد از آن احوط است که در کعبه نشیند و در کعبه نشیند و در کعبه نشیند  
غیر به خبیث که هر جمیع شود بوی بد و خبیث  
است از آن است و احوط که در آن وقت عبادت مخصوص را  
و که نکردن در آن کعبه یا در آن بعضی نیز بعضی ممکن است که هر که  
در کعبه نشیند و در کعبه نشیند و در کعبه نشیند

پرسیدن آن که فغان کزین گرفتار این جزئی بود که زندانی عربی شد  
از برای حفظ دستها از سرما و دران جنبه میکرد که را حوض یکدانی فغان  
از آن بخت سرگردیدست بسیار که از تنی باشد و برضه فغان  
کنند و در حوض جنبه از جگر در دست بگذرد و تنی بخت بخت بخت بخت بخت  
و بعضی فرمودند که را حوض یکدانی فغان بخت بخت بخت بخت بخت  
ضرورت و بخت بخت بخت بخت بخت بخت بخت بخت بخت بخت بخت بخت  
سوز و چکه و جگر و در جگر بخت بخت بخت بخت بخت بخت بخت  
که بر تنی مثل ستر بخت بخت بخت بخت بخت بخت بخت بخت بخت  
الا که را حوض و در جگر بخت بخت بخت بخت بخت بخت بخت  
عالمین را حوض بخت بخت بخت بخت بخت بخت بخت بخت بخت  
کفایت بخت و بعضی بخت بخت بخت بخت بخت بخت بخت بخت بخت  
و بعضی بخت بخت بخت بخت بخت بخت بخت بخت بخت بخت بخت  
از برای خود بخت بخت بخت بخت بخت بخت بخت بخت بخت بخت  
خود بخت بخت بخت بخت بخت بخت بخت بخت بخت بخت بخت











يا اكرمهم اسلك ان يجعل تحفني اياي بربادتي اذ انك  
تخبر نعيمك فقال ربني من النار ليس يربيد يكون الله  
فكذلك ربني من النار ليس يكون اوسع علي من ذلك ولا  
الطيب وادعني من شياطين الارض والجن ونفسه  
العرب العجم كبر اباي بنو يكون فيهم الله والله وعلمه  
رسول الله صلى الله عليه واله سدا ابراد وروعة  
كن بكوا اللهم اني اسالك مغاي هداي اولي ناسك  
ان قبل لي وان تجاوز من حليتي وان اجمع في ذنبي  
الحمد لله الذي بلغني بينكم اللهم اني اسالك ان هذا  
سنة احرام الي جعله غنابة للناس وامنابا ركا  
هدى للعالمين اللهم العبد عبدك والبذل لله  
والبيت بيتك جنت الحب رحمتك واوم طاعتك  
مطيعا لا اريد واضاف يد اسالك سلة العفو اليك  
خافيف لغو بديك اللهم افصح لي ابواب رحمتك واسكني

تضع

بطاعت

بِطَاعَتِكَ وَمَرْضَاتِكَ بِسَخَابِ بَكِيمٍ بَيْنَ وَبَيْنَ مُحَمَّدٍ تَقِيَهُ  
الَّذِي عَطَّلَكَ وَشَمَّكَ وَكَرَّكَ وَجَلَّكَ فَتَابَهُ لِيُنَاسِ  
وَأَمَّا بَادَا وَهَذَا لِلْعَالَمِينَ وَجُونَ نَظَرِ الْحَرَامِ الْأَسْوَدِ  
رَبِّ سُبُوِي وَبَيْنَ وَبَيْنَ مُحَمَّدٍ تَقِيَهُ لَذِي هَذَا وَنَاكَ الْهَيْدِ  
لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ سُبْحَانَ اللَّهِ وَآمَحْمَدُ عَلَيْهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا  
وَاللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ مِنْ خَلْقِهِ وَآلَهُ أَكْبَرُ مِنْ أَعْمَلِهِ وَ  
حَدُّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ  
الْحَيَّةُ وَبَيْنَ وَبَيْنَ وَبَيْنَ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ سَيِّدُ الْخَمْرِ  
وَهُوَ كَلِمَةُ فَيْدٍ فِي الْقَلْبِ صَلَاحُ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَبَارَكَ  
كَافِلُهُمَا صَلَاحُ وَبَارَكَ وَبَارَكَ عَلَيْهِمَا بِأَهْلِهِمُ وَالْإِيمَانِ  
إِنَّكَ مُحَمَّدٌ مُحَمَّدٌ وَسَلَامٌ عَلَى النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ وَآمَحْمَدُ  
وَبِالْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي أُوْمِنُ بِوَعْدِكَ وَأَسْتَقِرُّ عَلَى  
وَأَتَّبِعُ كِتَابَكَ بِسَ تَانِي دَانِدِ شَوْهٍ وَكَامَارِ كُونَا بَكْدَادِهِ  
أَوْ نَسِرَ عِلْدَاتِهِ لَسِي حُونَ تَزَلُّجِ الْحَرَامِ الْأَسْوَدِ وَسِي سَنَادِ الْبَلَدِ

الحضرة

علي محمد وآل محمد ۳

جمع

بر داد و حمد ثانی الحی بما اودهم و صلیت بر مندر محمد  
 ال محمد و بگو اللهم تعالیٰ فی بر دست و دو و بدو و بر  
 میانی و میوی تو اکر نتوانی سیوی دست بمال اکر نتوانی  
 دست بمال اشاره بکن و بگو اللهم امانی اذ تبها و یمنانی  
 تعاهدی تشهدی بالموافای اللهم تصدق بیک یا رب  
 و علی سبیلک و لا اله الا انت و لا اله الا انت  
 و حد لا یملک و ان محمد عبد و رسول الله  
 یحب و الطاغوت و اللات و العزی و عباده و الشیطان  
 و عباده و کل بدی من دوا و تلغ و کر نتوانی هر از حرفی  
 بعضی از خوان و بگو اللهم رب العالمین ید و یفا عتد  
 عطف و عینی قابل یحیی و عینی و ارحمی اللهم فی  
 یان من اکر و تلغ و عوا یحیی فی الدنیا و الاخر  
 مفسد در دعا و امان و بعضی از احکام است بدانکه  
 معر و تنوع و بعد از رسول که واجب که ابتدا کند و بعد از

خط

و طواف از او گناه عمره است کسی که از آنرا کند عمل نافذی که  
از آن شود پیش از توفع بر حالت عمره ابطال چه عام مسلمه  
چه جاهل و ظاهر حج و توجیه افراد مبتدو و وجه ضعیفی حج بر او  
در سال آید فوب بخلاف کسی که حج متع او بجهت عذر و بدایه  
بافر شود و یا نحر خواهد نمود و اگر کسی سهواً نکند و دست  
ایشان بآن هرفت که بلند و اگر کسی بلیا آورده و سعی بلیا  
کند و مرضی که ممکن است او را ووش می کند و طواف می کند  
و الا ناپس می کند از برای او و بدایه که واجب طواف و داده است  
نهی از آن فرست خارج و هفتادان واجب و اعلا طرها را در  
پس جایز نیست طواف واجب او محذرت و اگر محذرت غفله طواف  
کند طواف ابطال و اگر در آن ای طواف محذرت شود پس اگر  
بعد از آنجا دو نصف بوده و قطع طهارت می کند و از موضع قطع تمام  
می کند و اگر قبل از آن بوده طواف او بعد از طهارت از سر گرفته  
حکم شد و در کوفش طهارت بعد از وضو با نشستن آن

مختوم

طوبى

خطی



























بپیش نهاد که هفت شوط شد بانه شش است از  
 بنا و اتمام میکند و اگر درین شوط باشد ظاهر است و یا  
 خارج هرگاه شش و یکبار هفت شوط شود مشخص است  
 سخبات حال است باینکه منت است که در حال سی یازده  
 باشد و اگر میان عدد اضعاف باشد و از آنجا که در وقت  
 تا با از عطاران و اگر مساوی باشد چهار یا خود و اگر نه  
 مادی که از او که نماند و از آنجا که عدد آمده و از  
 و آن زمانه و نیست درین بنا و بعد بگوید قسم الله و الله  
 و الله که رسول الله علیه و آله و اهل بیت ائمه اطهار و ائمه  
 و خدا و خاتم الانبیا و ائمه الاوالم و اهل بیت ائمه  
 می فرماید ان علی بن ابی طالب خاتم النبیین و خاتم  
 السعی و اهل بیت و اهل بیت علی بن ابی طالب علی  
 المنصور است و در آنجا که عدد و اگر مساوی باشد و از آنجا که  
 بگوید یا ائمه و الفضل و اکرام و ائمه و ائمه و ائمه و ائمه

20

از آنکه بعضی از نویسندگان گفته اند و چون برده و عاقل را  
 بخواند که در صف خوانان و بگوید یا من یا علی یا عفو یا حسن یا مجتهد  
 یا عفو یا من یا علی یا عفو یا من یا عفو یا عفو یا من یا عفو  
 یا عفو یا عفو یا عفو و سی کند و گوید کردن و خود را گوید  
 بدو و عاقل را کند و حال سی و باید بخواند اللهم  
 اقمناک حسن الخلق یا علی یا من یا عفو یا عفو یا عفو یا عفو  
 یا عفو یا عفو یا عفو و اگر او شرک کند و فتن و دهر را  
 که خواست از دست بگیرد و مانع شود و فتن برسد  
 شد بود فصیحی در تقصیر واجب است  
 و مانع از تقصیر آن گویند بعضی از ماخذ باطل و از ما  
 و نیست چنین کند که تقصیر یکم بخیرت علی بن اوس  
 قمع و در منجز اسلام بخیرت طاعت خوانان و عاقل  
 و ترانیدن که است یکم از تقصیر بلکه حرام است بدانکه  
 تقصیر از او پیش کند و فتنی که حرام حج و منقاد شد

بانست چون دانستی که شخص بعد از تقصیر حلال بشود از برای او  
 با حرام حرام شد و بود پس واجب شود بر او احرام از برای حج  
 و در آن مواسع اگر چه بعد از عدم خراج از کفالت بپایان  
 شود و مقبول بشود و حتی اگر تا آخر احرام حج از آن وقت واجب  
 فوت و توفیر عیالت و بعد از عزیز نبود و دانست احرام حقیق  
 بشود و بلیت حج ایقام آن در روز زود و هر وقت که  
 که احرام عزم نمود یعنی خود را و اسب را بر توفیر عیالت و حج  
 حقیقه اطاعت نماید خدا را عالم هر که گوشت کفالت و توفیر  
 واجب و دعال احرام چنانست که در احرام عرض مذکور شد و محال  
 احرام بکفالت در هر موضع که باشد اگر چه حجرت که در مسجد  
 مقام با حجاج واقع شود و اگر کسی فراموش کند یا بیرون رود و بیعت با  
 لازم است رجعت و اگر ممکن نباشد بخیرة حق وقت یا بعد از آن  
 و از آن موضع احرام بپایانند و گوشت کفالت و بعد از آن است  
 سر ظاهر حج است یا خیار و در وقت جاهل باشد و حکم

[illegible]



















و ارجح علی الذین یمنون کرم و فیل علیک و اعطینا فضلنا اعطینا  
 احدا منکم شیئا من غیره الا الذین یؤمنون و الحقیقه و یأمنون  
 فی جمیع الامور الذین اهلوا مال و قلیل و کثیر و مال و کثیر  
 حق و یسار و یسار الله اعظم من الناس فصل فی  
 شکر کرم و در آن دو معصیت ه فصل در وجوب شکر بر کرم  
 در عرفات در شب عید قربان که گفته بودی شکر کرم باید در آنجا شکر  
 بر دریا و در بعضی از شبته را واجب میدانند و نیست اگر داده اند و این  
 احوط است و نیست چنانکه گفته که شکر باید در روز عید کرم که در  
 آنی و چون طلوع فجر شود نیست و فزون گفته که پیش از طلوع فجر کرم  
 در جمیع محله و در بعضی از محله و در بعضی از محله و در بعضی از محله  
 طلوع آفتاب پس از طلوع آفتاب برودن و در روز دای محشر  
 سجاده بکنند که واجب است یعنی یک کوفه کفاره و واجب است سوره  
 ذراریه چند سوره است اول که در وقت شکر کرم است و جمیع آن صحیف  
 بر حسب آن اگر کسی بگذرد از آن که در وقت شکر کرم است و در وقت شکر کرم

و در وقت شکر کرم

و در وقت شکر کرم در آنجا که در وقت شکر کرم و در وقت شکر کرم  
 بر او نماند بعد از طلوع فجر شکر کرم و در وقت شکر کرم و در وقت شکر کرم  
 بسیار نیست و در وقت شکر کرم که در وقت شکر کرم و در وقت شکر کرم  
 بخواند آن برودن و در وقت شکر کرم که در وقت شکر کرم و در وقت شکر کرم  
 پس از طلوع فجر شکر کرم و در وقت شکر کرم و در وقت شکر کرم  
 از هر چه او میجوید و کرم را و یک کوفه کفاره و در وقت شکر کرم  
 سوره دوم که بسیار در آن گفته وقت که در وقت شکر کرم و در وقت شکر کرم  
 قبل از زوال پس در وقت شکر کرم و در وقت شکر کرم و در وقت شکر کرم  
 متکثر از نماندن در وقت شکر کرم و در وقت شکر کرم و در وقت شکر کرم  
 طلوع فجر و طلوع آفتاب و در وقت شکر کرم و در وقت شکر کرم  
 در یک از وقت عرفات و در وقت شکر کرم و در وقت شکر کرم  
 تکلف بلا خطا و در وقت شکر کرم و در وقت شکر کرم و در وقت شکر کرم  
 در وقت شکر کرم و در وقت شکر کرم و در وقت شکر کرم و در وقت شکر کرم  
 انکسالی در وقت شکر کرم و در وقت شکر کرم و در وقت شکر کرم و در وقت شکر کرم



















محرمات حرام بر او حلال میزند مرتبه اولی بعد از طلاق مرتبه دوم بعد از سکنه  
 و این صفا و مروه مرتبه ششم بعد از نماز طواف است و بعضی تخمین میزنند  
 موقوف نه است نه اول اقوی در حدیث است و بعد از طواف است  
 که در حقیقت و بعد از آن که حلال میزند آنرا که سرور است و این علامت است  
 از آنکه آن حج نیست پس هر که آن عهد است از طواف زیارت طواف  
 عمره نیست که باقی حج و عمره شود بلکه در حقیقت هر که آن را از آنجا  
 بیاورد و آنرا بجا بیاورد آن بر او حلال می شود و حق بقصد کردن و  
 دادن بر آن علی الاصول مفصل در طواف صحبات زیارت  
 و طواف شهادت چنانچه میفرماید که بعضی بهای روز عید از روی طواف  
 مناسک کنند و رجعت کنند چنانکه اگر کسی فراموشی از طواف و عمره نداده  
 و زیارت از فراموشی آن روز بگذرد و در وقت است که میفرماید و توبه  
 مسجد اگر آدم شود با ذکر و تمجید و تعظیم الهی و صلوات بفرستد بر حضرت محمد  
 و آل محمد و عمل بر سجدات است و بگوید یا کون الله تعالی اجنبی علی شکرت  
 و سبک نه و وسیله فی الله تعالی است و استسک الله تعالی

الذین

الذین یعرفون الله تعالی ان تعفونی ذنوبی و ان  
 ترحمی حاجتی اللهم انی عبدک و المذنب الیک  
 و الیت یتیک حجت اطلب رحمتک و اؤتم  
 طاعتک و فیما لا یریک و اذینا یفقد الیک استسک  
 مسئلة المضطر الیک المذنب لا یریک المذنب من  
 عبدک الخائف للمغفون ان یبلغ عفوک و  
 یحرفی من التاریخ حجتک پس بزرگوار است و بیا به و السلام  
 و تقبل نماید و آنچه در طواف عمره بجا آورد و بجا بیاورد و بجا بیاورد  
 کند و طواف کند و بعد از آنکه بجا آورد و در طواف عمره و در طواف  
 طواف و نماز آن و سعی و طواف است چنانکه که سابق در طواف و  
 سعی عمره مذکور است فصل در بیان خواص آن است پس در بیان آن  
 چنانکه هرگاه طواف در روز عید نمائید و در عید طواف و سعی و حقیقت  
 بر او که برگردد و بعد از آن که بجا آورد و بجا بیاورد و بجا بیاورد  
 و در روز دوم در سعی و حقیقت و بجا بیاورد و بجا بیاورد و بجا بیاورد







تا آنکه از اولی بعضی فرموده اند که احوط قضای چیست رسالت کرده  
 و بعد از آنکه باینست که در شب روی کند از بزمی روز نشسته و از بزمی  
 آینه و مگر کسی که غرض از آنست که در روزی ممکن نشود پس آنکه  
 روی کند و اگر کسی فراموش کند می تواند روز و یک روز قضای می بماند  
 بعد از آن واجب آن روز را بجا می آورد و مقصد در آنست که در نماز  
 در روز باران و در روز گرم و سیر و در هر یک سجده که در این سه روز  
 از منی پرور شود حتی یکت طواف مسجد و اگر در هر دو اولی اولی باشد  
 کند و هر دو را بجهت بر سر بگذرد و حمدی الهی بجا آورد و عبادت بر هر دو  
 محبت بفرستد پس آنکه پیش رود و دعا کند و بگوید اللهم تعالی فی  
 بی بستر و در آن دعا می بماند در وقت نماز خواند و در وقت  
 ای الله اگر بگوید و در هر دو جزء غنچه است و بیکند و بپوشد و بپوشد  
 بنامه نه بپوشد و میانه عالم و بعضی او را واجب دانسته و احوط است  
 که در آنکه در منی و غیر آن و در منی عیب پنداره تا بگوید و بگوید آن بنا  
 بر سهولت نیست که الله اکبر الله اکبر لا اله الا الله و الله اکبر

الحمد لله

الله اکبر علی ما هدانا لهذا الحمد علی ما هدانا لهذا الحمد  
 من یحیی لا نعالم و در منی عید بپوشد و بپوشد  
 الحمد لله الله اکبر علی ما هدانا لهذا الحمد الله اکبر علی ما  
 و دفنا من یحیی لا نعالم و در منی عید بپوشد و بپوشد  
 بپوشد الحمد لله علی ما هدانا لهذا الحمد و در روز و در روز کج  
 نیست که است یک سکه ریزه را در منی و در منی و در منی  
 که در منی ایام غازی و جب و جب در سجده بجا آورد و در  
 حدیث است که هر که در سجده خفیه کند تا بگوید و در منی  
 در آنجا پرور برود بر سر است عبادت و عبادت و هر که در منی  
 سبحان الله بگوید بر سر است و او است و در آن شخصی بپوشد  
 الحمد لله بگوید بر سر است و فراموش عذرین که در راه خدا عالم  
 کند خاتم در طرف و در و سایر تحقیق و فیان فرج  
 از که محظوظ و در وجهه نمونه و از که سجده بر جنت از منی بگوید  
 طرف و در هرگاه طرف و در منی طواف نماز بر سر است

بنده را که بپوشد و هر که در منی  
 لا اله الا الله بگوید بر سر است  
 با قرآن صحیح



و پیش از آنکه پیش گوشت ناز در سجده بگذارد و چون در رکعت است  
که داخل نماز میگردد و خود را کسی که تاراج کرده است در صورت است که  
داخل شدن رکعت در وقت نماز است در وقت خضوع و برون رفتن بر آن  
از گناهان و عداوت گناه بسیار از گناهان در بقیه عمر و یا عمره که گناهان  
که شتر را و سنت که بجهت و قوا غایب کند و پای برهنه داخل شود  
و پیش از دخول برود حلقه در را بگوید **اللَّهُمَّ الْبَيْتُ**  
**وَالْعَبْدُ عَبْدُكَ وَقَدْ قُلْتَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ إِهْنًا**  
**فَأَعِزَّنِي عَبْدُكَ وَأَجِرْنِي مِنْ عَمَلِكِ** پس داخل شود  
و بگوید **اللَّهُمَّ أَنْتَ قُلْتَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ إِهْنًا**  
**فَأَعِزَّنِي عَبْدُكَ عَبْدُكَ الْتَوَكَّلْ** در رکعت ناز گذارد  
در میان دو سنون بر سنگ رخ در رکعت اول هم سجده خواند و در  
دوم بعد از آن از قرآن و در آن سننای که بعد از نماز گذارد پس برکت  
آید که در آن حجر الاسود است و شکم خود را با آن استخوان مالده و چون خواهد  
سروان آید مردمان را برکت حجب کرده و در رکعت دوم رکعت ناز بگذارد

ماله پس در سجده  
بگوید و پشت خود را  
باز ستوان

و بعد از آنکه

و بعد از آنکه پیش از سجده بگذارد و چون در رکعت است  
که داخل نماز میگردد و خود را کسی که تاراج کرده است در صورت است که  
داخل شدن رکعت در وقت نماز است در وقت خضوع و برون رفتن بر آن  
از گناهان و عداوت گناه بسیار از گناهان در بقیه عمر و یا عمره که گناهان  
که شتر را و سنت که بجهت و قوا غایب کند و پای برهنه داخل شود  
و پیش از دخول برود حلقه در را بگوید **اللَّهُمَّ الْبَيْتُ**  
**وَالْعَبْدُ عَبْدُكَ وَقَدْ قُلْتَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ إِهْنًا**  
**فَأَعِزَّنِي عَبْدُكَ وَأَجِرْنِي مِنْ عَمَلِكِ** پس داخل شود  
و بگوید **اللَّهُمَّ أَنْتَ قُلْتَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ إِهْنًا**  
**فَأَعِزَّنِي عَبْدُكَ عَبْدُكَ الْتَوَكَّلْ** در رکعت ناز گذارد  
در میان دو سنون بر سنگ رخ در رکعت اول هم سجده خواند و در  
دوم بعد از آن از قرآن و در آن سننای که بعد از نماز گذارد پس برکت  
آید که در آن حجر الاسود است و شکم خود را با آن استخوان مالده و چون خواهد  
سروان آید مردمان را برکت حجب کرده و در رکعت دوم رکعت ناز بگذارد

و بعد از آنکه پیش از سجده بگذارد و چون در رکعت است  
که داخل نماز میگردد و خود را کسی که تاراج کرده است در صورت است که  
داخل شدن رکعت در وقت نماز است در وقت خضوع و برون رفتن بر آن  
از گناهان و عداوت گناه بسیار از گناهان در بقیه عمر و یا عمره که گناهان  
که شتر را و سنت که بجهت و قوا غایب کند و پای برهنه داخل شود  
و پیش از دخول برود حلقه در را بگوید **اللَّهُمَّ الْبَيْتُ**  
**وَالْعَبْدُ عَبْدُكَ وَقَدْ قُلْتَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ إِهْنًا**  
**فَأَعِزَّنِي عَبْدُكَ وَأَجِرْنِي مِنْ عَمَلِكِ** پس داخل شود  
و بگوید **اللَّهُمَّ أَنْتَ قُلْتَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ إِهْنًا**  
**فَأَعِزَّنِي عَبْدُكَ عَبْدُكَ الْتَوَكَّلْ** در رکعت ناز گذارد  
در میان دو سنون بر سنگ رخ در رکعت اول هم سجده خواند و در  
دوم بعد از آن از قرآن و در آن سننای که بعد از نماز گذارد پس برکت  
آید که در آن حجر الاسود است و شکم خود را با آن استخوان مالده و چون خواهد  
سروان آید مردمان را برکت حجب کرده و در رکعت دوم رکعت ناز بگذارد



بفصله مادر و جوی ارم و بنده اند و صلیکها را بعضی بچهار بعضی بکافه  
 فاصله ۷ و ۸ روز را درین قول فایده از توفیق است اگر چه بنده مستند است  
 و احرام عمره مفروضه از توفیق حرم است بکلیه معفو و آنرا آن عمره است  
 و بعد از احرام طواف و غزوات و سعی و نصف میکنند و بر چیز دیگری و طواف  
 مکرم و چون طواف نشمارد که در عمره مفروضه نام است بجا آوردن بود نیز  
 طواف میشود و سن است که چون خود را از کوفت بردارد و طواف کند  
 بجا آورد و در هر طوافی دست باید که بکمال سود و کمال پایداری و چون طواف کرد  
 دعا یا ساق را بگوید یا نه خود را سود بیاورد و شکم خود را بکمال پایداری  
 بر جگر را سود کند و دست دیگر را بکمال پایداری و حمد و ثناء الهی بجا آورد  
 و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و سن است که در باب حناهای مردان رود  
 که مقابل رکن شامی است و اگر عمره بر حرم و از راه او طلب توفیق نماید  
 کند و در وقت مردن رکنی بگوید هر چه را بگوید و قصد کند بفرستد  
 و در بعضی محلات و طواف احرام انداختن مثل پیش کشیدن و کوفت  
 و از جهت سبقت بکتابت مرجه از راه و مدینه قیامت برای او را که نیست

صفت فخریت



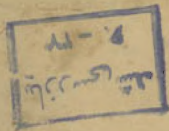
حضرت فخر کائنات و ابرق بیع صلوات بر عظیم جمیع و در حدیث  
 و از روایتی که در کتب زیارت آمده است بعد از توفیق حرم است  
 صلوات بر عظیم و تقاضای جمیع المومنین از راه و اقیانوسا حایه  
 در رقعات شفاعت بجا آوردن الطمین الطاهرین صلوات بر  
 عظیم جمیع و اگر چه در رساله الطمین و اگر چه در  
 ابرق ان نام و صلوات بر رسول محمد است  
 الطمین الکرام و صلوات بر عظیم جمیع  
 قد فرغ من تسبیح عبد کبریا و در حدیث غفر الله له و توابعه و اولیائهم و اولی  
 و توابعه عابد و مصلی و سلا و تجمعاته و استعجال فراموشی  
 رجاء حرم است





91

کتابخانه خطی و کتب  
تولید شده در این کتابخانه



نسخه



